



28 فبروری 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

## نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

(بخش بیست و نهم)

شاه امان الله غازی و برنامه اصلاحات:

با انتقاداتی که سپهسالاران در خان برطرز دید و برنامه اصلاحات شاه امان الله و اداره امور بوسیله عده ای از وزراء و شخصیت های نزدیک به شاه داشت و آنرا مضر به حال حکومت و مملکت میدانست، چنانچه در مبحث قبلی به استناد کتاب "نادرافغان" یکایک ذکر گردیدند، لازم می افتد برای روشن ساختن مسایل و اینکه تاچه حد این انتقادات صائب و بجا بوده اند، نگاهی مختصر در مورد برنامه های آن عصر بخصوص در پنج سال اول انداخت.

لیون پولادا افغانستان شناس مشهور امریکائی درباره شخصیت شاه امان الله می نویسد: «امیران سابقه کشور متکبر و مغرور بودند و تماس با ایشان دشوار بود، اما امان الله خان برعکس شخصیت دموکراتیک داشت، اکثراً مانند هارون الرشید بدون محافظ در بازارهای شهر گردش میکرد و با مردم مخلوط و محشور میگردد. از تشریفات بدش می آمد و خود را مانند افغانهای دیگر حساب میکرد و احساس برتری نمی نمود. امان الله خان یک ملی گرای وطن دوست و پشتیبان آزادی شرق بود و خیلی ها شهرت یافت و محافظه کاران را به هراس انداخت. او صادق بود و در عصری نمودن کشورش خیلی ها جدی گردید. چندین مرتبه علیه او سوء قصد صورت گرفت... درباریان بی کفایت دورش را حلقه زده بودند؛ همچنان حربه کفر را علیه او بکار می بردند و او را ضد اسلام میدانستند، درحالیکه او یک مسلمان صادق و مذهبی بود.» (پولادا، لیون: "اصلاحات و شورش در افغانستان 1919 - 1929"، صفحه 204 - 205. مختصر این کتاب را یارمحمد کوهسار کابلی از انگلیسی به دری ترجمه کرده و آنرا در بخش دوم کتاب "آتش در افغانستان" از صفحه 198 تا 247 به چاپ رسانیده است)

تحولات عمیق و همه جانبه:

شاه امان الله بعد از حصول استقلال و برقراری روابط سیاسی با بسا کشورهای جهان تمام نیروی خود را متوجه اصلاحات اداری، اجتماعی و سیاسی کشور کرد چنانچه در روز عید اضحی 1303 ش (1923) خطاب به مردم گفت: «امروز روز قلم است، نه روز شمشیر!» (آدامک، لودویک: "روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست"، مترجم پوهاند محمدافضل صاحبزاد، چاپ دوم، پشاور، 1370، صفحه 116)

اصلاحات عصر امانی را بطورکال میتوان به سه دوره تقسیم کرد: دوره اول از 1919 تا 1923، دوره دوم از 1925 تا اواخر 1927 که البته اغتشاش خوست (1923-1924) مرحله اول و دوم را از هم جدا نمود و دوره سوم بعد از عودت از سفر اروپا (جون 1928) تا ختم دوره سطننت (جنوری 1929) که مدت بیشتر از شش ماه را دربر گرفت.

شاه امان الله پس از برگشت از اروپا به یک تعداد اصلاحات و نوآوریهای غیر ضروری دست یازید که حربه مخالفانش را دسته داد و حلقات محافظه کار مذهبی و ملاهای پیرو آنها بیشتر از پیش بر علیه او و نوآوریهایش به تبلیغات و تحریکات جدی اقدام کردند که زمینه آنرا قبلاً وقتی شاه در سفر بود، به کمک انگلیسها فراهم ساخته بودند. شاه بعد از لویه جرگه 1307 وقتی راجع به دست آوردهای سفر خود در قصر "استور" برای دوسه روز متواتر در حضور همه اراکین دولت و کور دپلماتیک مقیم کابل و جمعی از زنان بیانیه میداد، خود را "شاه انقلابی" خواند.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لېکنېزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

در این ارتباط اگر بدقت دیده شود، شاه امان الله از همان ابتداء سلطنت و حتی در زمان شهزادگی افکار انقلابی را در مخیله خود پرورده بود، چنانچه تحولات بنیادی مهم طی دوره پنج سال اول سلطنت او بیانگر این خصوصیت میباشد، زیرا طی همان دوره زیربنای جامعه نوین افغانستان گذاشته شد که واقعاً حیثیت یک انقلاب همه جانبه را در ساحات مختلف اعم از سیاسی، اداری، قانونی، اجتماعی و فرهنگی در برداشت و در اثر آن چهره افغانستان به مقایسه گذشته طوری تغییر کرد که در آنوقت در دیگر کشورهای همجوار و حتی فراتر از آن نظیر نداشت.

از آنجائیکه بحث مفصل پیرامون هر یک از این تحولات اساسی از موضوع بحث این کتاب بدور است، لذا با ذکر مختصر آنها بسنده کرده و توجه را طور کل به موضوع ذیل جلب میدارم:

--- استرداد استقلال کامل کشور که با راه اندازی یک اقدام نظامی آغاز و از طریق سیاسی یعنی سه دوره مذاکرت هیئت های افغانی و برتانوی از یکطرف و اعزام یک هیئت "سفارت فوق العاده" به کشورهای اروپائی و برقراری روابط سیاسی، تجاری و فرهنگی از طرف دیگر قدم بقدم جامه عمل پوشید و با اینکار در افغانستان مستقل تهاداب اولیه تحولات بعدی گذاشته شد.

--- برقراری روابط سیاسی با کشورهای خارجی، تبادل سفر و گشودن سفارتخانه ها یکی از پی آمدهای بسیار مهم بود که تا قبل از آن افغانستان صرف از طریق هندبرتانوی حق داشت با کشورهای دیگر رابطه برقرار کند. با این تحول بزرگ راه ورود خارجی ها از کشورهای مختلف به افغانستان باز گردید و نیز زمینه تماس های سیاسی، تجاری و فرهنگی را با دولت مستقل افغانستان فراهم کرد.

--- شاه با اعلام اینکه: «بعد از این قانون حکومت میکند!»، اساس حاکمیت قانون را در کشور گذاشت و یک اداره بنام "مجلس وضع قوانین" را در ماه حمل 1298 تأسیس کرد تا قوانین را در ساحات مختلف زیر نام "نظامنامه" تسوید و تدوین نماید و عده ای از دانشمندان را که در ساحه احکام اسلامی و قوانین مدنی وارد بودند، به حیث اعضای آن گماشت. همین مجلس بعداً نام "شورای دولت" را بخود گرفت که به حیث مرجع تسوید قوانین زیر نظر شخص شاه و ریاست یکی از اراکین دولت (شیر احمدخان) بکار آغاز کرد. طی پنج سال اول این شورا توانست به تعداد بیش از 50 نظامنامه را در ساحات مختلف تسوید و آنرا به مجلس وزراء تقدیم دارد که پس از غور مجدد تصویب و با توشیح آن توسط شاه امان الله مرعی الاجراء گردیدند. بعضی از این نظامنامه ها در واقع ماهیت مقرر و لوایح اجراییوی حکومت را داشتند که تصویب آن از صلاحیت حکومت بود و اما برخی دیگر ایجاب میکرد تا در لویه جرگه (به حیث قوه مقننه) رویت داده شوند و مورد تصدیق و تائید آن مرجع قرار گیرند.

--- "شورای علوم" که متشکل از شش نفر علمای دینی که هر یک در عین زمان وظیفه قاضی را در محاکم بعهدہ داشتند، تحت نظر مولوی عبدالشکورخان (پسر قاضی القضاة سعدالدین خان از نواده خان علوم) به صفت قاضی القضاة برای تدوین احکام شرعی توظیف شدند تا کتاب زیر نام "تمسک القضاة الامانیه" را برای اجراء محاکم تدوین نمایند. محتوای این کتاب در بعضی موارد مورد مناقشه بین علمای محافظه کار مذهبی حین مباحثات در لویه جرگه 1303 قرار گرفت و تعدیلاتی در آن به میان آمد.

--- یکی از کارهای مهم شورای دولت و شورای علوم همانا تهیه مسوده "نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان" بود که در لویه جرگه 1301 منعقدہ جلال آباد با اشتراک 872 نفر اعیان و بزرگان دولت و نمایندگان اقوام (بیشتر از ساحات مشرقی) تائید و تصویب گردید. این اولین "قانون اساسی افغانستان" تاریخ کشور است که با انفاذ آن تهاداب یک نظام "دولت - ملت" در کشور گذاشته شد. در این نظامنامه نظام شاهی، وظایف و صلاحیت های شاه، حقوق عمومی اتباع کشور، حکومت و وظایف محوله، مامورین دولت، مجالس مشوره و شورای دولت، محاکم، دیوان اعلی، امور مالییه، اداره ولایات و مسایل متفرقه در 73 ماده گنجانیده شده و اساس کلی و عمومی را برای تدوین دیگر نظامنامه ها (قوانین) در کشور تشکیل میدهد. این نظامنامه بعداً در لویه جرگه 1303 منعقدہ پغمان مورد بحث مجدد قرار گرفت و با تعدیلات جزوی بار دیگر تصدیق و تائید گردید. نا گفته نماند که لویه جرگه های عصرامانی به حیث یک مرجع تقنینی و به مثابه یک شورای ملی عمل میکرد و در واقع با تدویر این لویه جرگه ها (در سالهای 1301، 1303 و 1307) تهاداب ایجاد "قوه مقننه" در چهارچوب قوای ثلاثه دولت در کشور گذاشته شد. قابل ذکر است که محتوای این نظامنامه که به کمک مشاوران ترکی ترتیب گردیده بود، اساس کلی را برای تدوین قوانین اساسی بعدی

در کشور گذاشت که با تغییرات چند در قانون اساسی سال 1310 دوران سلطنت محمدنادرشاه که انفاذ آن تا سال 1343 ادامه داشت، تأثیر گذار بود.

--- تشکیل "قوه اجرائیه" به شکل جدید با تدویر منظم مجلس وزراء که از ماه حوت 1297 زیر نام "نظارت خانه" ایجاد گردید و مشتمل بر نظارت حربیه، امور خارجی، مالیه، داخلیه، زراعت، تجارت، عدلیه، امنیه، نقلیات و دربار بود که در راس هر یک شخصی بنام "ناظر" قرار داشت، یک تحول مهم دیگر در کشور محسوب میشود که در ماه حمل 1300 نظارت ها به "وزارت ها" تغییر نام یافت و در راس آن "وزیر" قرار گرفت. این اولین بار است که قوه اجرائیه از جمله قوای ثلاثه دولت شامل تشکیلات اساسی دولت مدرن گردید و دفاتر قبلی که بطور غیر منسجم فعالیت داشتند، ملغی شدند.

--- "نظامنامه تشکیلات اساسی افغانستان" در 243 ماده در ماه ثور 1302 نافذ گردید، یک تحول بزرگ دیگر بود که برطبق آن وظایف تمام ادارت دولت در ساحات اجرائیوی و قضائی در مرکز و ولایات کشور با شرح و بسط لازم مشخص و مسئولیت ها و مکلفیت های هر اداره تحت فصول جداگانه تثبیت و تعیین گردید. یکی از تحولات عمده در این ارتباط تشکیل مجالس مشوره در ولایات کشور (متشکل از پنج نایب الحکومگی و چهار حکومت اعلی) بود که مرجع ارتباط مردم با امران اداره محل (نایب الحکومه، حاکم های اعلی و دیگر حکام) محسوب شده و دادن مشوره به آنها و نیز کنترل فعالیت ادارت محل را برطبق قوانین بعهده داشت.

--- "نظامنامه جزای عمومی" یکی دیگر از موضوعات مهمی بود که در 295 ماده در ماه قوس 1302 نافذ گردید و چون این نظامنامه با صلاحیت قضات در جرایم تعزیری که در مذهب حنفی بر مبنای شرعی استوار بود، در بعضی موارد اصطکاک داشت و آنها انفاذ آنرا مداخله دولت در امور شرعی عنوان کرده و بنای مخالفت را با آن گذاشتند، در لویه جرگه 1303 در چندین مورد با اضافات و تعدیلات مواجه شد.

--- برنامه های انکشاف معارف یک از الویت های اساسی شاه امان الله بود که با انکشاف مکتب حبیبیه و تأسیس دو مکتب جدید بنام های امانی (زیر نظر استادان آلمانی) و امانیه (زیر نظر استادان فرانسوی) بنیاد معارف جدید در کشور گذاشته شد. همچنان باز شدن دو مکتب دخترانه اولین اقدام در تاریخ کشور بود که بعداً با مخالفت عناصر محافظه روبرو گردید و در لویه جرگه 1303 موضوع تعلیم دختران در مکاتب دولتی یکی از مباحث داغ را بار آورد. ایجاد مکاتب ابتدائیه در ولایات و بعضی شهرهای دیگر نیز رویدست گرفته شد و شخص شاه و ملکه ثریا در انکشاف معارف سعی بلیغ کردند. تأسیس مکتب اصول دفتری برای مامورین مالیه، مکتب حکام برای ادارات محل، مکتب قضات، تأسیس مکاتب مسلکی زراعت، صنایع، مساحت، دارالعلوم و دارالحفاظ و دیگر مکاتب مسلکی در کابل نیز شامل انکشاف عمومی معارف در امور مسلکی بود.

--- اعزام طلاب افغان جهت تحصیل به خارج یک اقدام بی سابقه دیگر در تاریخ کشور بود که طی چند دوره از آغاز سال 1300 به تعداد جمعاً بیش از 300 نفر جهت تحصیل در رشته های مختلف به فرانسه و آلمان و نیز به ترکیه و هند فرستاده شدند. اکثر این طلاب بعد از ختم موفقانه تحصیل وقتی به وطن برگشتند، که شاه امان الله ناگزیر به ترک وطن شده بود و نتوانست از حاصل نونهالان خود بهره مند گردد، اما همین ها کسانی بودند که در رژیم بعدی پایه های اساسی نیروی مسلکی کشور را در ساحات مختلف تشکیل دادند و تفکر مسلکی مدرن اروپائی را با خود به کشور آوردند.

--- تحول بزرگ در نظام مالی کشور طی همین پنج سال اول به وجود آمد که با تحول کم و بیش تا امروز مرعی میباشند، از جمله مهمترین آن: - ترتیب بودجه دولت با اصول جدید و معمول در جهان برطبق "نظامنامه بودجه عمومی" بود که در ماه حمل 1301 نافذ گردید و در آن عواید و مصارف دولت برای یک سال قبلاً تثبیت و برطبق آن اجراء صورت میگرفت؛ - وضع قوانین مالیاتی و تعدیل مالیه از جنس به نقد؛ - نشر اسناد حواله برای تادیات دولتی از سال 1298 به بعد (بعضی ها این اسناد را اشتباهاً پول کاغذی یا بانکنوت نامیده اند، در حالیکه نشر پول کاغذی بعداً در سال 1307 صورت گرفت و قبل از آن پول کاغذی به حیث وسیله تبادل وجود نداشت و تنها پول فلزی طلا، نقره و مس زیر نام "روپیه" و نامهای دیگر در اضعاف آن رایج و در دوران بود؛ - تعیین واحد پولی "افغانی" بجای روپیه کابلی و تعیین مقاسیبات ساحه به سیستم "متریک" و وزن به سیستم "گرام".

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

--- فروش زمین های دولتی به مردم وتوسعه ملکیت خصوصی و تشویق تشبثات خصوصی درسکتور صنعت با انفاذ "نظامنامه تشویقیه صنایع دولت علیه افغانستان" در سال 1302، همچنان توسعه تجارت خارجی، چنانچه از 1920 تا 1925 صادرات کشور از 50 ملیون فرانک به یک بلیون فرانک افزایش یافت. (استیوارت، ریه تالی: "آتش در افغانستان 1919 - 1929"، ترجمه: کوهسار کابلی، صفحه 213)

--- شاه امان الله به فکرایکه افغانستان از این به بعد دیگر زیرتهدید خارجی قرار نخواهد گرفت، چندان توجه جدی برای استحکام قدرت نظامی از نظر تعداد عسکر و افسر نکرد و به این عقیده بود که یک اردوی کوچک، ولی مجهز با وسایل عصری برای حفظ امنیت داخلی کافی خواهد بود. او تلاش کرد تا قوای هوایی را ایجاد و تقویه کند و برای بار اول به خریداری چند طیاره و احداث اولین میدان هوایی در حواشی شهر کابل پرداخت و تعدادی را برای تحصیل در رشته پیلوتی به ایتالیا و روسیه اعزام کرد و نیز به خریداری اسلحه جدید از فرانسه و بعضی کشورهای دیگر اقدام نمود.

یکی از تفاوت نظرهای اساسی شاه با سپهسالار محمدنادر خان همین موضوع بود که سپهسالار به حیث وزیر حربیه خواهان افزایش تعداد عساکر و افسران اردو و ایجاد قشله های عسکری در اطراف واکناف کشور بود. همچنان شاه امان الله کوشید تا در سیستم مکلفیت عسکری تغییر وارد کند و سیستم "هشت نفری" را به سیستم عام ساختن مکلفیت همه جوانان در خدمت زیر بیرق تعویض نماید. این تغییر مهم پس از مدتی به دلیل مخالفت خوانین و ملکان و قریه داران محل که از سیستم قبلی نفع می بردند و پسران خوانین و صاحبان سرمایه از خدمت زیر بیرق خود را فارغ می ساختند، در جریان مباحثات لویه جرگه 1303 از بین رفت و بار دیگر همان سیستم قدیمی هشت نفره رویکار شد. در این ارتباط باید علاوه کرد که تحولات کیفی نظام عسکری در دوره امانی بیشتر به مشوره افسران ترکی صورت میگرفت که نقش روز افزون آنها موجب ناراحتی سپهسالار محمدنادر خان وزیر حربیه میگردد و اینکار یکی از دلایل عمده کناره گیری موصوف از مقام وزارت حربیه و نیز برهم خوردن مناسبات او با شاه امان الله محسوب میشود.

--- در ساحه تحولات اجتماعی و فرهنگی میتوان از اقدام تاریخی: - الغای بردگی یا به عبارت دیگر اعلام آزادی کنیز و غلام؛ - قطع معاشات مستمری اعضای خانواده شاهی به شمول درباریان و سران قبایل؛ - الغای القاب رسمی و امتیازات مربوطه که قبلاً مروج بود؛ - تغییر در مسائل نکاح، عروسی، ختنه سوری، و همچنان فاتحه و مراسم عزاداری، بخصوص نکاح صغیره و تعدد ازواج را نام برد که این تحولات موجب بروز بعضی مخالفت ها در بین مردم و آنها بیشتر در حلقات محافظه کاران مذهبی گردید و آتش شورش و اغتشاش را در سمت جنوبی شعله ور ساخت (بعداً در مورد صحبت میشود). قابل ذکر است که همین موضوعات باعث بحث های جدی و دوامدار در لویه جرگه 1303 گردید که شاه امان الله به دلیل حساسیت های ناشی از شورش خوست ناگزیر به انصراف از بعضی نکات این تحول شد که شرح مزید آنرا میتوان در کتاب "رویداد لویه جرگه دارالسلطنه 1303" مطالعه کرد. (دیده شود: باز نشر این کتاب به اهتمام اینجانب در 28 قسمت در وبسایت افغان جرمن آنلاین از تاریخ 10 اگست تا 13 سپتمبر 2016)

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ